



سجاد عابدی

پژوهشگر حوزه IT

اوفک انواع تحریم‌ها را در ارتباط با فعالیت‌های مخرب مرتبط با فضای سایبری، مانند جاسوسی سایبری، نفوذ سایبری به زیرساخت‌های حیاتی و شبکه‌های کامپیوتری و کمپین‌های اطلاعات غلط از خارج، برعهده دارد. بخش عمده‌ای از این تحریم‌ها تحت عنوان «برنامه تحریم‌های مرتبط با فضای سایبری» انجام می‌شود، که در سال ۲۰۱۵ به عنوان بخشی از واکنش دولت اوپاما به فعالیت‌های مخرب سایبری ناشی از کشورهای خارجی ایجاد شده است. در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۴۰۴، رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ فرمان اجرایی جدیدی با عنوان «تداوم تلاش‌های منتخب برای تقویت امنیت سایبری کشور» را امضا کرد که با عنوان ثبت فدرال شده است. این دستورالعمل در نگاه اول، یک گام رو به جلو و نشان دهنده تغییری مهم در سیاست امنیت سایبری ایالات متحده است، اما با نگاهی عمیق‌تر، می‌توان نشانه‌هایی از یک نگرانی استراتژیک را در آن مشاهده کرد.

البته از نظر کارشناسان بین‌المللی، این فرمان یک تحول استراتژیک در امنیت سایبری جهانی است و این اقدامات نه تنها برای امنیت ملی آمریکا حیاتی است، بلکه درس‌ها و الزاماتی حیاتی برای سایر کشورها، از جمله ایران، به همراه دارد تا در مسیر پیشگیری هوشمند و تقویت زیرساخت‌های دیجیتال خود حرکت کنند. اقدامات کلیدی این فرمان که می‌تواند الهام بخش سیاست‌گذاری‌های ملی باشد، شامل موارد زیر است:
اصلاح سیاست تحریم‌ها: این دستور، فرمان اجرایی ۱۳۶۹۴ مصوب سال ۲۰۱۵ را که برای اعمال تحریم علیه افراد و نهاد‌های درگیر در فعالیت‌های مخرب سایبری صادر شده بود، اصلاح می‌کند. هدف از این اصلاحات، تمرکز تحریم‌ها بر بازیگران مخرب خارجی است و اطمینان از عدم هدف‌گیری ناخواسته فعالیت‌های سیاسی داخلی. این اصلاح همچنین تصریح می‌کند که تحریم‌ها شامل فعالیت‌های مرتبط با انتخابات نمی‌شوند. پیشبرد توسعه نرم‌افزار امن: با اذعان به اهمیت امنیت نرم‌افزار، این فرمان به نهاد‌های فدرال دستور می‌دهد تا شیوه‌های توسعه نرم‌افزار امن را اتخاذ کنند. این شامل پیاده‌سازی دستورالعمل‌های موسسه ملی استانداردها و فناوری (NIST)، به ویژه چارچوب توسعه نرم‌افزار امن (SSDF)، برای افزایش امنیت و یکپارچگی نرم‌افزارهای مورد استفاده و توسعه یافته در نهاد‌های فدرال است. تأکید بر رمزنگاری پساکوانتومی: این دستور اجرایی، اتخاذ الگوریتم‌های رمزنگاری پساکوانتومی را الزامی می‌کند. این اقدام با هدف محافظت از اطلاعات حساس در برابر رمزگشایی احتمالی توسط رایانه‌های کوانتومی است و بدین ترتیب ارتباطات و داده‌های فدرال را برای بلندمدت ایمن می‌سازد. تقویت امنیت پروتکل دروازه مرزی (BGP): برای رفع آسیب‌پذیری‌ها در مسیریابی اینترنت، این دستور به نهاد‌های فدرال دستور می‌دهد تا اقداماتی را برای ایمن‌سازی پروتکل دروازه مرزی پیاده‌سازی کنند. با کاهش خطرات مرتبط با رایش BGP، این اقدامات با هدف جلوگیری از تغییر مسیر مخرب ترافیک اینترنت است که می‌تواند منجر به رهگیری داده‌ها یا اختلال در خدمات شود و دستورالعمل به نهاد‌های فدرال برای اتخاذ مجوز مبدأ مسیر (ROA) و زیرساخت کلید عمومی منابع (RPKI) نشان دهنده تعهدی بسیار ضروری به سلامت ستون فقرات اینترنت است.

ترویج استانداردهای امنیت اینترنت اشیا (IoT): این فرمان اجرایی از توسعه و اتخاذ سیاست‌های امنیت سایبری قابل خاوندن توسط ماشین و تعیین نامه‌های رسمی اعتماد برای دستگاه‌های اینترنت اشیا حمایت می‌کند. این ابتکار به دنبال اطمینان از مطابقت دستگاه‌های متصل با اصول اساسی امنیتی است و بدین ترتیب از مصرف‌کنندگان و اکوسیستم دیجیتال گسترده‌تر محافظت می‌کند. ایالات متحده که خود به خوبی می‌داند چه محصولاتی را با چه ویژگی‌هایی به دست دیگر کشورها می‌رساند، اکنون بیش از هر زمان دیگری نگران است که دیگران نیز با ابزارهای مشابه، امنیت ملی آن را هدف قرار دهند. این فرمان، در واقع، یک اقدام پیشگیرانه در برابر باگشت سلاحی است که خود به تکامل آن کمک کرده است. این تحولات نشان دهنده یک تغییر جهانی از رویکردهای واکنشی به سمت دکترین‌های ریسک محور و پیش‌بینانه است. این تغییر برای کشوری مانند ایران، با توجه به اهمیت روزافزون فضای سایبری و زیرساخت‌های حیاتی دیجیتال، از اهمیتی دوچندان برخوردار است. توسعه نرم‌افزار امن: در ایران نیز، با توجه به حجم فزاینده تولید نرم‌افزارهای بومی و توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، نهادینه کردن امنیت از طریق طراحی و پایبندی به چارچوب‌های استاندارد توسعه نرم‌افزار امن، برای جلوگیری از حملاتی مشابه سولارویندز حیاتی است. اما شاید بتوان این تأکید شدید بر امنیت زنجیره تأمین نرم‌افزار را از زاویه دیگری نیز دید؛ رمزنگاری پساکوانتومی، الزام به انتقال به رمزنگاری پساکوانتومی شاید استراتژیک‌ترین اقدام در میان تمامی تدابیر باشد. با توجه به سرعت پیشرفت محاسبات کوانتومی، آماده‌سازی برای انتقال به رمزنگاری پساکوانتومی برای حفظ محرمانگی و یکپارچگی داده‌های ملی و طبقه بندی شده در بلندمدت، امری اجتناب‌ناپذیر است. همانطور که فناوری محاسبات کوانتومی به سرعت بالغ می‌شود، الگوریتم‌های رمزنگاری که از اکثر سیستم‌های مدرن مانند ECC و RSA محافظت می‌کنند، منسوخ خواهند شد. آماده‌سازی اکنون با شناسایی سیستم‌های آسیب‌پذیر و پیاده‌سازی استانداردهای پساکوانتومی منطبق بر تأییدات NIST برای یکپارچگی و محرمانگی بلندمدت داده‌ها، به ویژه برای ارتباطات طبقه بندی شده و دارای نگهداری طولانی مدت، ضروری است.

دکتر مجید ابهری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

صورت مسأله فقر را نمی‌توان پاک کرد



حقوق یازنشستگان تنهاکفاف ۱۰روز زندگی آنها را می‌دهد

برخی مسئولان تلاش می‌کنند صورت مسأله فقر را پاک کنند

جامعه ایران در حال فقیرتر شدن است

آرمان ملی- احسان انصاری: آیا جامعه ایران در حال فقیرتر شدن است؟ اقشار آسیب‌پذیر در شرایط کنونی چگونه معاش خود را تأمین می‌کنند؟ جامعه فقیر یا چه چشم‌اندازی مواجه خواهد شد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر مجید ابهری آسیب‌شناس اجتماعی گفت‌وگو کرده است. ابهری معتقد است: «شرایط کشور پیچیده است و باید شرایط را درک کرد. به هر حال ما با چالش‌های جدی در زمینه بین‌المللی مواجه هستیم که نمونه بارز آن جنگ ۱۲ روزه بود. با این وجود من معتقدم در حالی که میزان فقر در جامعه مشخص است و مردم نیز این موضوع را به خوبی درک

آیا جامعه ایران در حال فقیرتر شدن است؟

بله، این اتفاق در حال رخ دادن است و نشانه‌های آن را می‌توان در ساحت‌های مختلف زندگی مردم مشاهده کرد. از نظر رفتارشناسی اقتصادی خط فقر سطوح توانمندی اقتصادی افراد در تأمین نیازهای اولیه است. به همین دلیل نمی‌توان رقم دقیقی برای خط فقر تعیین کرد. قیمت کالا‌های مورد نیاز مردم به صورت ساعتی تغییر می‌کند و از سوی دیگر حداقل معاش در کشور مامشخص نیست. شرایط اقتصادی و وضعیت معیشتی مردم به شکلی است که به راحتی می‌توان به وخامت اوضاع پی برد و خط فقر را بر اساس واقعیت‌ها مشخص کرد. با گرانی گوشت، مرغ، تخم مرغ، شیر و... شرایط به شکلی شده که یک کارگر، کارمند یا بازنشسته با مشکلات جدی در تأمین مایحتاج زندگی خود مواجه شده است. اگر به حد اکثر و حداقل حقوق قشر آسیب‌پذیر جامعه دقت کنیم متوجه می‌شویم که نمی‌توان به راحتی یک رقم را به عنوان خط فقر مشخص کرد. اینکه هر فردی بر اساس سلیقه و دلخواه خود یک رقم را به عنوان خط فقر در جامعه مشخص کند از نظر علمی قابل قبول نیست. امروز چه کسی می‌داند خط فقر در جامعه دقیقاً چه رقمی است؟ برای بنده این نکته جای سؤال دارد که چاربرخی گمان می‌کنند با ارائه آمار و ارقام می‌توانند شرایط معیشتی مردم را به شکلی که تمایل ارند نشان دهند؟ این در حالی است که تغییرات باید در زندگی مردم به صورت ملموس و آزاد داشته باشد. خط فقر واقعی آن است که فرد پایین‌تر از آن نتواند به زندگی معمولی خود ادامه دهد و شرایط برای یک زندگی معمولی نیز فراهم نباشد.

چرانی می‌توان میزان فقر را در جامعه ایران به خوبی مشخص کرد؟

در این زمینه دو اتفاق افتاده است. نخست اینکه افزایش لحظه‌ای قیمت‌ها باعث شده توان به صورت مدون شرایط بازار را بررسی کرد و دوم اینکه برخی تلاش می‌کنند با آمار و ارقام صورت مسأله را پاک کنند. افزایش قیمت کالا‌های مورد نیاز مردم به خصوص در یک سال اخیر که کشور با چالش‌های جدی سیاسی و بین‌المللی مواجه بوده باعث شده تعداد فقر در جامعه بیشتر شود و این مسأله‌ای غیرقابل کتمان است. زمانی می‌توانیم ادعا کنیم که فقر در جامعه کاهش پیدا کرده که اقشار آسیب‌پذیر جامعه نتوانند با دستمزدی که می‌گیرند حداقل نیازهای اولیه خود را تأمین کنند. باید دانست که فقر یک موضوع چند بعدی است و بر اساس شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک جامعه تعریف می‌شود. خط فقر یک مرزبندی فرضی بین توانستن و نتوانستن در تأمین نیازهای اساسی و اصلی است و در جوامع مختلف همراه با مفاهیم دیگری مطرح می‌گردد. در کشور ما به علت شدت و ضعف وضعیت اقتصادی ناشی از عوارض تنش‌های بین‌المللی و سال‌ها تحریم‌های ظالمانه و غیرانسانی، به مرزبندی فرضی خط فقر محور دیگری به نام خط فقر مطلق نیز افزوده شده است.

چرا؟

در جوامع دیگر معمولاً سه لایه اقتصادی ضعیف، متوسط و خوب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که متأسفانه به خاطر رخدادها و شرایط کشور ما فقط دو طبقه غنی و فقیر وجود



می‌کنند برخی مسئولان تلاش می‌کنند با پاک کردن صورت مسأله شرایط را به شکل دیگری نشان بدهند. به نظر می‌رسد برخی از مسئولان با واقعیت‌های جامعه آشنا نیستند و با اینکه به جای اینکه مسأله را حل کنند تلاش می‌کنند صورت مسأله را پاک کنند. برخی نیز گمان می‌کنند اگر آمار را به جامعه اعلام کنند فقر در جامعه کاهش پیدا می‌کند. واقعیت این است که در سفره و زندگی مردم می‌گذرد و با اعلام عدد و رقم نمی‌توان شرایط را به شکل دیگری نشان داد. ارائه آمار تغییری در وضعیت فقر در جامعه ایجاد نمی‌کند». در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

قیمت کالا‌های مورد نیاز مردم به صورت ساعتی تغییر می‌کند. از سوی دیگر حداقل معاش در کشور ما مشخص نیست. شرایط اقتصادی و وضعیت معیشتی مردم به شکلی است که به راحتی می‌توان به وخامت اوضاع پی برد

اعلام کنند فقر در جامعه کاهش پیدا می‌کند. واقعیت آن است که در سفره و زندگی مردم می‌گذرد و با اعلام عدد و رقم نمی‌توان شرایط را به شکل دیگری نشان داد. ارائه آمار تغییری در وضعیت فقر در جامعه ایجاد نمی‌کند و نمی‌توان با پاک کردن صورت مسأله مشکلات جامعه را به خصوص در زمینه فقر کاهش داد. خط و خط‌کشی‌های اقتصادی معمولاً بر اساس استانداردها و تعاریف ثابت علمی تبیین و عرضه می‌گردد. در تمام کشورها تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه و شاخص‌های مالی دیگر مثل قدرت خرید، شاخص‌های عمده و خرده فروشی و نرخ تورم را بررسی کرده و مشخص می‌کنند که وضعیت معیشتی مردم در چه شرایطی قرار دارد. این در حالی است که در ایران تفسیر و توضیح فقر و ریشه‌های آن شکل پوپولیستی به خود گرفته است.

مهم‌ترین پیامدهای فراگیر شدن فقر را چه می‌دانید؟
بسیاری از آسیب‌های اجتماعی امروز جامعه ایران ناشی از گرانی و فقر است. اقشار بیکار، کم درآمد و بازنشسته تأثیرپذیری بیشتری را از گرانی و تورم لحام گسیخته در جامعه خواهند داشت. وقتی نان‌آور خانواده توانایی تأمین نیازهای یک خانواده را ندارد هنگام باگشت به خانه دچار اضطراب و استرس می‌شوند. در پاسخگویی به همسر و فرزندان هم این استرس به سراغ آنها می‌آید. فشارهای روحی و روانی باعث بروز تنش‌های رفتاری می‌شود و این گونه افراد با کوچک‌ترین تنش اجتماعی از کوره دررفته و با خشم با شهروندان برخورد می‌کنند. نزاع‌های مانند بوق زدن و دعوا بر سر جای پاک‌ناشی از فشارهای روحی و عصبی است که با پهنانه‌های کوچک همانند سوار و پیاده شدن از ماشین، انتظار برای سوار شدن در تاکسی درگیری لفظی و فیزیکی آغاز می‌شود. بسیاری از زوج‌ها به ویژه کسانی که تازه ازدواج کرده‌اند به فرزندآوری تمایل ندارند و خانواده‌های تک فرزند هم به فرزندآوری بیشتر فکر نمی‌کنند. وقتی اقلام بهداشتی یا شیر خشک نوزادان را قیمت‌گراف عرضه می‌شوند خانواده‌ها حتی اگر پدر و مادر هر دو شاغل باشند نمی‌توانند هزینه‌ها را تأمین کنند.

چشم‌انداز مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم به چه سمتی در حال حرکت است؟

باید برای شرایط موجود تدبیر کرد. دولت آقای پزشکیان در مدت زمانی که روی کار آمده موفق شده اقدامات مفیدی برای کاهش فقر در جامعه انجام بدهد. بسته‌های حمایتی به نیازمندان در این دولت وجود داشته و امید است که در آینده نیز وجود داشته باشد. شرایط امروز جامعه تا حدود زیادی میراثی است که از دولت‌های گذشته به ارث رسیده است. اگر قرار است تغییری در زمینه مبارزه با فقر در جامعه صورت بگیرد باید نگرش مدیران جامعه تغییر کند که این اتفاق نیازمند تدبیر ویژه‌ای است. با تغییر مدیران نمی‌توان به تغییرات اساسی در سیاست‌ها و رویکردها امیدوار بود. باید تغییرات به صورت گسترده صورت بگیرد و نگرش مدیران نسبت به مشکلات جامعه تغییر کند. بسته‌های حمایتی و سیاست‌های جدی برای ایجاد اشتغال‌زایی باعث می‌شود که شرایط برای افزایش فقر در جامعه از بین برود و تعداد فقر کاهش پیدا کند. در این زمینه دولت باید اراده جدی از خود نشان بدهد و از مردم بخواهد که در این زمینه به دولت کمک کنند.

سید جلال ساداتیان:

باتشکیل شورایی از تمام ظرفیت‌های دیپلماسی استفاده کنیم

راه حل‌هایی پیدا کنیم؟ اینکه صرفاً یک تعداد خاص یا یک تفکر خاص بخواهند بر خواسته‌های خود اصرار کنند باید در راستای آن چیزی که حاصل می‌شود این به نفع نیز ممکن است نتایج کمتری حاصل کند. در نتیجه، من توصیه می‌کنم که از همه ظرفیت‌های دیپلماسی کشور استفاده شود. در این شرایط، هر پیشنهادی مخالف باشید، دیپلماسی باید در مقاطع خاص کمک کند. با این حال همه‌ی فرصت‌هایی که داشتیم گذشته است اما هنوز هم قدرت دیپلماسی می‌تواند قدم‌های کوچکی بردارد و هنوز از همه ظرفیت دیپلماسی استفاده‌ها کنری نکرده‌ایم. وی افزود، شما از روسای جمهور سابق، وزرای خارجه و بسیاری از چهره‌های قوی و دارای سابقه استفاده نکرده‌اید. چه اشکالی دارد که یک شورای عالی تشکیل بدهیم تا در همین مقطع زمانی که پیش آمده، بتوانیم از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم و

که قدرت است، اما این به معنای حق بودنش نیست. این کارشناس سیاست خارجی ایران با تأکید بر اینکه باید در راستای آن چیزی که می‌گوئیم حق است، خودمان را قوی کنیم، عنوان کرد: قوی بودن به این نیست که فکر کنید فقط می‌توانید مقاومت کنید و در برابر هر پیشنهادی مخالف باشید، دیپلماسی باید در مقاطع خاص کمک کند. با این حال همه‌ی فرصت‌هایی که داشتیم گذشته است اما هنوز هم قدرت دیپلماسی می‌تواند قدم‌های کوچکی بردارد و هنوز از همه ظرفیت دیپلماسی استفاده‌ها کنری نکرده‌ایم. وی افزود، شما از روسای جمهور سابق، وزرای خارجه و بسیاری از چهره‌های قوی و دارای سابقه استفاده نکرده‌اید. چه اشکالی دارد که یک شورای عالی تشکیل بدهیم تا در همین مقطع زمانی که پیش آمده، بتوانیم از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم و

۴ سناریوی محتمل در مورد رابطه ایران و آمریکا در ماه‌های آینده

موانع مهم توافق

تهران و واشنگتن کدامند؟

برخی گزارش‌های خبری حکایت از تلاش جدید ایالات متحده به منظور دستیابی به یک توافق هسته‌ای با ایران دارند. اگر این ادعا درست باشد، این تلاش در بجهت بی‌اعتمادی متقابل، مواضع تندروانه و بالاترین خطر تشدید درگیری نظامی از زمان فروپاشی برجام صورت می‌گیرد. به رغم آن که ایالات متحده بر کاهش سریع تنش و غنی‌سازی اورانیوم صفر متمرکز است و ایران به دنبال کاهش تحریم‌ها و به رسمیت شناختن کامل حق خود برای غنی‌سازی اورانیوم است، هر دو طرف درگیر سیاست‌های داخلی، بحران‌های منطقه‌ای و میراث حملات نظامی هستند. محتمل‌ترین مسیر، بن‌بست طولانی یا تشدید حساب‌شده درگیری است، مگر آنکه پیشنهاد‌های میانجی‌گرانه یا تغییر شرایط ژئوپولیتیکی، هر دو طرف را به پذیرش مصالحه ترغیب کند.

موانع مهم

موانع اساسی حداقل در پنج مورد باقی مانده‌اند: راستی آزمایی و نظارت؛ ایران بر حفظ قابلیت‌های غنی‌سازی اورانیوم خود اصرار دارد. ایالات متحده از ترس قابلیت گریز هسته‌ای، خواستار راستی‌آزمایی دقیق و سزرده (از جمله در تأسیسات اعلام نشده) ایران است. دفع ذخایر: ایالات متحده می‌خواهد ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران را به جایی دیگر منتقل کرده یا نابود کند. ایران با استناد به حاکمیت ملی از پذیرش این خواسته خودداری می‌ورزد. توالی امتیازات: ایران خواستار لغو اولیه تحریم‌ها است، در حالی که ایالات متحده و شرکایش پیش از هرگونه اعطای مزایای اقتصادی اساسی، خواستار رعایت قابل تأیید تعهدات از سوی ایران هستند. نقش گروه‌های بیابنی و برنامه‌های موشکی: ایالات متحده به دنبال جنگ‌اندن برنامه موشکی ایران و گروه‌های بیابنی تحت حمایت آن کشور در منطقه در توافقی است. با این وجود، ایران با توجه به این مسائل امنیتی جداگانه این امر را رد می‌کند. ضمانت‌های بین‌المللی: هر دو طرف به تعهدات بلندمدت یکدیگر اعتماد ندارند. ایران به دنبال تضمین‌های کنگره آمریکا برای جلوگیری از خروج مجدد ایالات متحده از توافق است. با این وجود، دیپلمات‌های آمریکایی به دلیل قطب‌بندی‌های سیاسی داخلی در آمریکا تحقق آن خواسته را دشوار می‌دانند.

چهار سناریوی محتمل

بنابراین، با توجه به شرایط و موانع موجود می‌توان چهار سناریوی احتمالی را برای ماه‌های آینده پیش‌بینی کرد: سناریو اول: بی‌سرت طولانی (تشدید وضعیت حساب‌شده): از رای‌های منابع دیپلماتیک و اطلاعاتی نشان می‌دهند که توافق در کوتاه‌مدت بعید به نظر می‌رسد. تحریم‌های اعمال شده تحت مکانیسم ماشه سخت‌گیرانه‌تر خواهد شد. اما ایران کاملاً تسلیم نخواهد شد. آن کشور به غنی‌سازی پایین‌تر از سطح مورد نیاز برای ساخت سلاح هسته‌ای ادامه خواهد داد و از برنامه هسته‌ای خود به عنوان اهرم فشاری بر غرب استفاده خواهد کرد. در حالی که از طریق نزدیکی بیش‌تر با روسیه و چین به دنبال کسب معافیت و گریز از تحریم‌ها خواهد بود. این رویارویی به دلیل درگیری‌های منطقه‌ای سطح پایین و حملات دور‌ای ایالات متحده و اسرائیل یا تلاش‌های خرابکارانه ادامه خواهد یافت. سناریو دوم: تشدید چشم‌پوشش تنگ به سمت درگیری: سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل و ایالات متحده کماکان تردید دارند که غنی‌سازی اورانیوم ایران واقعاً برای اهداف غیرنظامی باشد. اگر ایران به طور علنی از محدودیت‌های غنی‌سازی اورانیوم برای مصارف نظامی (بیش از ۵۰ درصد) فراتر رود، یا اگر دور دیگری از حملات نظامی منجر به نشت مواد هسته‌ای با تلفات شود، ممکن است یک جنگ منطقه‌ای آغاز شود. زرادخانه موشکی و تسلیحات ایران می‌تواند در اقدامی تلافی‌جویانه راه‌اندازی شود و نیروهای آمریکایی و متحدان آن کشور در منطقه را تهدید کند. سناریوی سوم: یک توافق کوچک و جزئی: اگر یک یا هر دو طرف نیاز به خنثی کردن تهدید فوری داشته باشند، هنوز هم می‌توان به یک توافق جزئی دست یافت. ایران می‌تواند در ازای لغو موقت یا محدود تحریم‌ها، حمایت بشر دوستانه یا تضمین‌های امنیتی، پیشنهاد کاهش یا صادرات تقریباً ۶۰ درصد از مواد غنی‌شده خود را بدهد. این پیشنهاد مطمئناً یک راه حل موقت خواهد بود. خرید زمان بدون پایان دادن اساسی به بن‌بست. در این سناریو نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ممکن است در ازای توقف غنی‌سازی اورانیوم در سطوح فعلی از سر گرفته شود. سناریوی چهارم: یک توافق جامع و دائمی (احتمال کم): یک توافق جامع نیاز به یک پیشرفت سیاسی بی‌سابقه دارد تا ایران محدودیت‌های سخت‌گیرانه را با دریافت تضمین‌هایی در مورد توسعه اقتصادی خود، حمایت کنگره ایالات متحده و رفع تحریم‌ها بپذیرد. با توجه به فضای منطقه‌ای و سابقه خیانت از سوی آمریکا، بعید به نظر می‌رسد که این اتفاق در سال آینده رخ دهد. اما اگر تحولات منطقه‌ای یا داخلی محاسبات را تغییر دهند، نمی‌توان تحقق این سناریو را رد کرد. در نهایت، نه واشنگتن و نه تهران نمی‌توانند هزینه کامل تسلیم کامل یا درگیری آشکار را بپردازند. بنابراین، هر دو کشور احتمالاً به تاکتیک‌های فشار تدریجی، همراه با تعامل تاکتیکی در کوتاه‌مدت به استثنای یک شوک خارجی یا پیشرفت میانجی‌گری کشورهای ثالث کماکان ضعیف به نظر می‌رسد. با این وجود، خطر تشدید تنش از هر زمان دیگری از زمان امضای اولیه برجام بیش‌تر است و این موضوع را به یک نگرانی جهانی تبدیل می‌کند.